



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سوگنامه آل محمد (ص)
در ذکر مصائب جانشینان
چهارده معصوم علیهم السلام
و شهداء و اسراء کربلا

محمد محمدی اشتهاردی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله : امام عسکری علیه السلام

نویسنده:

محمد محمدی اشتهااردی

ناشر چاپی:

ناصر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در ذکر مصائب جانسوز چهارده معصوم علیهم السلام و شهداء و اسراء کربلا"	۶
مشخصات کتاب	۶
ذکر مصیبت معصوم سیزدهم امام حسن عسکری	۶
امام حسن عسکری در عصر سه طاغوت	۷
امام حسن عسکری در زندان	۷
داستان ابوالادیان و شهادت امام حسن	۸
پاورقی	۱۰
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۱۰

سوغنامه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در ذکر مصائب جانسوز چهارده معصوم علیهم السلام و شهداء و اسراء کربلا

مشخصات کتاب

- سرشناسه : محمدی اشتهااردی، محمد، ۱۳۲۳-
- عنوان و نام پدیدآور : سوگنامه آل محمد(ص) در ذکر مصائب جانسوز چهارده معصوم علیهم السلام و شهداء و اسراء کربلا/ محمد محمدی اشتهااردی.
- مشخصات نشر : قم: انتشارات ناصر، ۱۳۷۰.
- مشخصات ظاهری : ۵۶۰ ص.
- شابک : ۲۱۵۰ ریال ؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ ششم) ؛ ۲۲۵۰۰ ریال (چاپ پانزدهم) ؛ ۳۰۰۰ ریال: چاپ هجدهم-۳۰۳-۶۶۸-۹۶۴ ؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ بیست و یکم) ؛ ۴۵۰۰۰ ریال (چاپ بیست و دوم) ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (چاپ بیست و سوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال : چاپ بیست و چهارم-۷-۰۳-۶۶۸۳-۹۶۴-۹۷۸ :
- یادداشت : چاپ اول و ششم: ۱۳۷۳.
- یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۷۲.
- یادداشت : چاپ پانزدهم: زمستان ۱۳۷۹.
- یادداشت : چاپ هجدهم: ۱۳۸۲.
- یادداشت : چاپ بیستم: ۱۳۸۴.
- یادداشت : چاپ بیست و دوم: ۱۳۸۶.
- یادداشت : چاپ بیست و یکم: ۱۳۸۵.
- یادداشت : چاپ بیست و سوم: تابستان ۱۳۸۷.
- یادداشت : چاپ بیست و چهارم: زمستان ۱۳۸۷.
- یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع : چهارده معصوم
- موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق.
- رده بندی کنگره : BP۳۶م/۳۵س ۹ ۱۳۷۰
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵
- شماره کتابشناسی ملی : م ۷۱-۶۱۰

ذکر مصیبت معصوم سیزدهم امام حسن عسکری

حضرت حسن بن علی (ع) در هشتم ربیع الثانی یا ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ هـ. ق در مدینه متولد شد و در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ. ق به دسیسه‌ی معتمد عباسی (پانزدهمین طاغوت عباسی) در سامره در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسید، مرقد شریفش در شهر سامره واقع در کشور عراق است. عصر امامت آن حضرت، شش سال (از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰ هـ. ق) بود، و اکثراً آن حضرت در تبعید و زندان و تحت نظر به سر برد و سرانجام به دستور معتمد عباسی به طور مرموز، مسموم شده و شهید شد. خراسانی در منتخب می‌نویسد: اصح آن است که قاتل آن بزرگوار، معتمد عباسی بود چنان که کفعمی در جدول مصباح نوشته، و ملا صالح در شرح

کافی از شیخ صدوق نقل کرده که آن حضرت را معتمد کشت. [۱].

امام حسن عسکری در عصر سه طاغوت

با توجه به اینکه امام حسن عسکری (ع) در سوم رجب سال ۲۵۴ هـ. ق به [صفحه ۱۴۳] امامت رسید، آغاز امامت آن حضرت مصادف با عصر خلافت «المعتر» (سیزدهمین طاغوت عباسی) بود که تا دوم شعبان ۲۵۵ طول کشید و آخر رجب سال ۲۵۵ هـ. ق «مهدی بالله» (چهاردهمین طاغوت عباسی) بر مسند خلافت نشست، و خلافت او تا شانزدهم رجب سال ۲۵۶ هـ. ق به طول انجامید، و پس از او معتمد (پانزدهمین خلیفه عباسی) بر مسند خلافت نشست و خلافت او را از ماه رجب سال ۲۵۶ تا آخر رجب سال ۲۷۹ (یعنی ۲۳ سال) دانسته‌اند [۲]. بنابراین عصر امامت امام حسن عسکری (ع) مصادف با حکومت سه طاغوت مذکور (المعتر، المهتدی و المعتمد) بود، و بیشتر دوران امامتش (حدود چهار سال از شش سال) در عصر خلافت معتمد عباسی بوده است. آن بزرگوار از ناحیه‌ی هر سه طاغوت پیش گفته، ستم‌ها و شکنجه‌ها و آزارها و زندان‌ها دید، که به بعضی اشاره می‌شود: سید بن طاوس می‌گوید: سه نفر از سلاطین زمان خواستند امام حسن عسکری (ع) را به قتل برسانند، زیرا شنیده بودند حضرت مهدی علیه السلام (برهم زنده حکومت جئران) از صلب او خواهد بود و چندین بار امام حسن عسکری (ع) را به زندان افکندند، و آن حضرت دربارهی چند تن از آنها نفرین کرد و آنها در سریع‌ترین اوقات، به هلاکت رسیدند. [۳]. علامه سید محسن امین می‌نویسد: «مدت شش ساله‌ی امامت امام حسن عسکری (ع) در شهر سامراء، چند ماه آن مصادف با خلافت «المعتر» بود، و یازده ماه و ۲۸ روز آن مصادف با خلافت مهدی بود، و پنج سال آن در عصر خلافت معتمد [صفحه ۱۴۴] عباسی گذشت». [۴]. لازم به تذکر است که امام حسن عسکری (ع) ۲۳ سال و چند ماه در شهر سامره همراه پدر بوده است، و حدود شش سال بعد از پدر در سامره اقامت داشته است. بنابراین در همان دوران طفولیت، هنگام تبعید پدرش (در عصر خلافت متوکل) به شهر سامره همراه پدر بوده است، و بعضی احتمال داده‌اند که در سامره متولد شده باشد. [۵].

امام حسن عسکری در زندان

امام حسن عسکری (ع) در دوران امامت همیشه در زندگی تحت نظر و در فشار سخت بوده، و اکثراً در زندان‌های طاغوت‌ها به سر برده است به عنوان نمونه: ۱- المعتر (سیزدهمین خلیفه عباسی) امام حسن عسکری (ع) را با جمعی از طالبیون زندانی کرد، داود بن قاسم می‌گوید: ما با افرادی در زندان بودیم و زندانبان ما «صالح بن وصیف» بود، روزی دیدیم: امام حسن عسکری (ع) را وارد زندان کردند، در زندان شخصی جمعی بود (و به عنوان جاسوس در زندان بود و ما او را نمی‌شناختیم) و او خود را علوی معرفی می‌کرد، امام حسن عسکری (ع) به ما فرمود: اگر در میان شما بیگانه نبود به شما خبر می‌دادم که در چه زمان آزاد خواهید شد، و به آن شخص جمعی اشاره کرد بیرون برو، او بیرون رفت، امام به ما فرمود: این شخص از شما نیست (جاسوس است) احتیاط او را داشته باشید در لباس او [صفحه ۱۴۵] کاغذی وجود دارد که گزارش کار شما را برای خلیفه نوشته است، یکی از افراد ما لباس او را جستجو کرد، همان گزارش را در آن یافت... [۶]. ۲- صالح بن علی همراه گروهی از نزدیکان رژیم خلافت عباسی، نزد رئیس زندان «صالح بن وصیف» آمده و گفتند: «زندگی را در زندان بر ابو محمد (حسن عسکری علیه السلام) تنگ و سخت کن». صالح در پاسخ گفت: دو نفر را مأمور مخصوص زندان او کرده‌ام، تا بر او سخت بگیرند، ولی آن دو نفر آن چنان تحت تأثیر معنویت او قرار گرفته‌اند که در عبادت و نماز به مرحله‌ی عظیمی رسیده‌اند، سپس دستور داد آن دو نفر را احضار کردند، و در حضور گروه عباسی، به آنها گفت: «وای بر شما، دربارهی این مرد (امام حسن عسکری علیه السلام) چه می‌گوئید؟ و کارتان با او به کجا رسیده است؟». آن دو نفر در پاسخ گفتند: «چه بگوئیم در مورد مردی که شب‌ها را به عبادت و روزها را به روزه، به پایان می‌رساند، و جز

عبادت به چیزی اشتغال ندارد، وقتی که او به ما می‌نگرد، لرزه بر اندام می‌شویم و بی‌اختیار می‌گرییم. وقتی که گروه عباسی، چنین شنیدند، سرافکنده از زندان بیرون رفتند. [۷]. ۳- امام حسن عسکری (ع) را مدتی در زندان، به شخصی با تجربه و سخت‌کوش و خشن به نام «نحریر» سپردند، او آن حضرت را شکنجه می‌داد و زندگی را بر او تنگ و سخت می‌گرفت. همسر او که بانوی با ایمان بود، به او گفت: از خدا بترس، تو نمی‌دانی که چه شخصیتی در زندان تو است سپس آن زن پاره‌ای از عبادات و مقام ارجمند آن حضرت را برای شوهرش بیان کرد و آن گاه گفت: «من ترس آن دارم که بلائی به تو برسد». [صفحه ۱۴۶] نحریر، خشمگین شد و گفت: سوگند به خدا او را (در باغ وحش) به جلو درندگان می‌افکنم. نحریر همین کار را با اجازه‌ی مقامات بالا- کرد، و آن حضرت را به درون باغ وحش برد، و هیچ گونه شکی نداشت که درندگان او را می‌خورند. پس از ساعتی آن حضرت را دیدند نماز می‌خواند و درندگان در اطراف او آرام اجتماع کرده‌اند، آن گاه نحریر دستور داد آن حضرت را از آنجا بیرون آورند. [۸].

۴- ابوهاشم جعفری می‌گوید: همراه امام حسن عسکری (ع) در زندان مهتدی عباسی (چهاردهمین خلیفه‌ی عباسی) بودیم، امام حسن عسکری (ع) به من فرمود: «ای ابوهاشم! این طاغوت (مهتدی) امشب را می‌خواهد به سرور و عیاشی بگذرانند، ولی خداوند عمرش را قطع می‌کند، و خلافت به خلیفه بعد می‌رسد». (او پسر ندارد که به پسرش برسد). ابوهاشم می‌گوید: صبح باخبر شدیم که ارتشیان ترک به او یورش برده و او را کشته‌اند و معتمد عباسی به جای او نشسته است. [۹]. ۵- معتمد عباسی مدتی امام حسن عسکری (ع) را تحت نظر علی بن حزین زندانی نمود، و همواره از این حزین، احوال حضرت را می‌پرسید، این حزین می‌گفت: آن حضرت روزها روزه می‌گیرد و شبها نماز می‌خواند. [۱۰]. ۶- عیسی بن صبیح می‌گوید: ما در زندان بودیم، امام حسن عسکری (ع) را نزد ما آوردند، به من فرمود: از سن تو ۶۵ سال و چند ماه و یک روز گذشته، من کتاب دعائی داشتم که تاریخ ولادتم در آن نوشته بود، در آن نظر کردم، دیدم عین آن است [صفحه ۱۴۷] که امام فرمود. سپس به من فرمود: آیا فرزند داری؟ گفتم: نه، گفت: «خدایا فرزندی به او (عیسی بن وصیف) عطا کن که بازوی او باشد، فرزند بازوی خوبی است». آن گاه این شعر را خواند: من کان ذا ولد یدرک ظلامته ان الذلیل الذی لیست له عضد: «کسی که دارای فرزند باشد، حقش را به دست می‌آورد، بیچاره کسی که بازو ندارد». عرض کردم: آیا شما فرزند داری؟ فرمود: آری به خدا سوگند به زودی فرزندی به من عطا خواهد شد، که زمین را پر از عدل و داد می‌کند. [۱۱]. ۷- وقت دیگری امام حسن عسکری (ع) را در زندانی تحت نظر «علی بن اوتاش» افکندند، او فردی بی‌رحم و خونخوار بود، و از دشمنان سرسخت آل محمد (ص) به شمار می‌آمد، و به او دستور داده بودند، هر گونه که خواستی آن حضرت را مورد شکنجه و آزار قرار بده، ولی حالت معنوی امام حسن (ع) به گونه‌ای بود که یک روز بیشتر طول نکشید، که علی بن اوتاش تحت تأثیر قرار گرفته و در برابرش زانوی عجز و تواضع به زمین زد، و حتی به احترام حضرت، چشمش را بلند نمی‌کرد. و همین علی بن اوتاش وقتی از حضور امام (ع) بیرون آمد، از نظر شناخت و معرفت و گفتار، بهترین انسان‌های مؤمن شده بود. [۱۲].

داستان ابوالادیان و شهادت امام حسن

ابوالادیان می‌گوید: من از خدمتکاران امام حسن عسکری (ع) بودم و نامه‌های [صفحه ۱۴۸] آن حضرت را به اطراف و شهرها می‌بردم، آن حضرت بیمار و بستری شد به همان بیماری که رحلت کرد، به حضورش رسیدم، نامه‌هایی که برای مردم مدائن نوشته بود به من داد و فرمود: این‌ها را به مدائن ببر، و تو پس از پانزده روز مسافرت وقتی که به شهر سامره بازگشتی، از خانه‌ی من صدای گریه و عزاداری می‌شنوی و جنازه‌ی مرا روی تخته‌ی غسل می‌نگری. ابوالادیان می‌گوید: گفتم: ای آقای من! اگر چنین پیش آید به چه کسی مراجعه کنم؟ فرمود: به کسی رجوع کن که: ۱- پاسخ‌های نامه‌های مرا از تو مطالبه کند که او قائم بعد از من است. گفتم: نشانه‌ی بیشتر بفرمائید، فرمود: ۲- کسی که بر جنازه‌ی من نماز می‌خواند. گفتم: باز نشانه‌ی بیشتر بفرمائید، فرمود: ۳- آن

کسی که از محتوا و اشیاء داخل همیان خبر دهد، او قائم بعد از من است. سپس شکوه امام، مانع شد که سؤال بیشتر کنم، به سوی مدائن رفتم و نامه‌ها را به صاحبانشان دادم، و پاسخ‌های آنها را گرفتم و پس از پانزده روز به سامره باز گشتم، ناگاه همان گونه که فرموده بود صدای گریه و عزا از خانه‌ی امام حسن عسکری (ع) شنیدم، به خانه‌ی آن حضرت آمدم ناگاه دیدم جعفر کذاب (برادر آن حضرت) در کنار در خانه ایستاده، و شیعیان اطراف او را گرفته‌اند و به او تسلیت گفته به او به عنوان امام بعد از امام حسن عسکری (ع) مبارک باد می‌گویند. با خود گفتم: اگر امام، این شخص باشد، مقام امامت تباه خواهد شد زیرا من جعفر را می‌شناختم که شراب می‌خورد و قمار بازی می‌کند و با ساز و آواز سر و کار دارد، نزد او رفتم و تسلیت و تهنیت گفتم، از من هیچ سؤال نکرد. سپس عقید (غلام آن حضرت) آمد و به جعفر گفت: ای آقای من جنازه‌ی برادرت کفن شد، برای نماز بیا، جعفر و شیعیان اطراف او وارد خانه شدند، من نیز همراه [صفحه ۱۴۹] آنها بودم، و در برابر جنازه‌ی کفن شده امام حسن عسکری (ع) قرار گرفتیم، جعفر پیش آمد تا نماز بخواند، همین که آماده‌ی تکبیر شد، کودکی که صورتی گندمگون، و موی سرش به هم پیچیده و بین دندانهایش گشاده بود به پیش آمد و ردای جعفر را گرفت و کشید و گفت: تأخر یا عم فانا احق بالصلاة علی ابی. «ای عمو! به عقب برگرد، من سزاوارتر به نماز خواندن بر جنازه‌ی پدرم هستم». جعفر عقب بازگشت در حالی که چهره‌اش تغییر کرده و غبار گونه شده بود. کودک جلو آمد و نماز خواند، و سپس آن حضرت را در کنار قبر پدرش امام هادی (ع) در شهر سامره به خاک سپردند. سپس آن کودک به من گفت: پاسخ‌های نامه‌ها را که در نزد تو است بیاور، آنها را به آن کودک دادم و با خود گفتم: این دو نشانه (۱- نماز ۲- مطالبه‌ی نامه‌ها) اما نشانه‌ی سوم (خبر از محتوای همیان) باقی مانده است. سپس نزد جعفر کذاب رفتم دیدم مضطرب است، شخصی به نام «حاجز و شاء» به جعفر گفت: «آن کودک چه کسی بود؟» (حاجز می‌خواست با این سؤال، جعفر را در حجتش درمانده سازد). جعفر گفت: «سوگند به خدا هرگز آن کودک را ندیده‌ام و نشناخته‌ام». ابوالادیان می‌گوید: ما نشسته بودیم ناگاه چند نفر از قم آمدند و جویای امام حسن عسکری (ع) بودند، دریافتند که آن حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امام بعد از او کیست؟ مردم آنها را به جعفر اشاره کردند. آنها بر جعفر سلام کردند و به او تسلیت و تهنیت گفتند و عرض کردند: همراه ما نامه‌ها و اموال است، به ما بگو نامه‌ها را چه کسی فرستاده و اموال چه مقدار است؟! [صفحه ۱۵۰] جعفر برخاست در حالی که لباسش را می‌تکانید و گفت: «از ما علم غیب می‌خواهید؟». در این هنگام خادم (از جانب امام عصر علیه‌السلام) بیرون آمد و گفت: نزد شما نامه‌هایی است از فلان کس و فلان کس (نام آنها را به زبان آورد) و در نزد شما همیانی است که هزار دینار دارد، که ده دینار (اشرفی) آن، طلای روکش دارد. قمی‌ها آن نامه‌ها و همیان را به آن خادم دادند و گفتند: آن کسی که تو را نزد ما فرستاده، امام همان است (امام زمان (ع) همان کودک بود). پس از این جریان، جعفر کذاب نزد معتمد عباسی (پانزدهمین خلیفه عباسی) رفت و گفت: در خانه‌ی برادرم حسن عسکری (ع) کودکی هست که شیعیان به امامت او معتقدند... معتمد دژخیمان خود را برای دستگیری آن کودک فرستاد، آنها آمدند و پس از جستجو، کنیز امام حسن (ع) بنام «صقیل» را دستگیر کرده و کودک را از او مطالبه کردند، او انکار و اظهار بی‌اطلاعی کرد و برای منصرف کردن آنها از جستجوی کودک، گفت: من حملی از آن حضرت دارم (یعنی حامله هستم از امام حسن علیه‌السلام). مأموران آن کنیز را به ابن ابی‌الشوارب قاضی سپردند (تا وقتی که بچه متولد شد آن را بکشند) در این میان عبیدالله بن یحیی بن خاقان وزیر از دنیا رفت، و صاحب الزنج (امیر زنگیان) در بصره خروج کرد، و دستگاه خلافت سرگرم این امور شد و از جستجوی کودک منصرف گردیدند، و کنیز (صقیل) از خانه‌ی قاضی به خانه‌ی خود آمد. [۱۳]. چنان که گفتم: امام حسن عسکری (ع) به گونه‌ی مرموزی به دستور معتمد [صفحه ۱۵۱] عباسی، مسموم شد و در بستر بیماری قرار گرفت. جعفر کذاب برادر آن حضرت که مرد فاسقی بود توسط افراد جریان را به خلیفه گزارش داد، پانزده نفر از افراد مورد اطمینان خلیفه به خانه‌ی امام حسن (ع) آمدند و خانه را شدیداً تحت نظر و کنترل قرار دادند... در سه روز آخر عمر، حال حضرت وخیم‌تر می‌شد، دو روز گذشت به خلیفه خبر دادند که حال امام رو به

وخامت است، بر حسب ظاهر او پزشکان و قاضی القضاة را به خانه‌ی امام حسن عسکری (ع) فرستاد و به آنها دستور داد که شب و روز در خانه‌ی آن حضرت بمانند، آنها آنجا بودند که آن حضرت از دنیا رفت، خبر وفات آن حضرت به مردم رسید، شهر سامره یکپارچه عزادار شد [۱۴]. در ساعات آخر، بیماری آنچنان بر آقا امام حسن (ع) شدید شد که آن حضرت توان دوا خوردن را نداشت، به غلامش عقید فرمود: به آن حجره برو کودکی را می‌بینی که در پشت پرده به سجده افتاده است، او را بیاور، غلام به آنجا رفت و آن کودک را در حال سجده دید، کودکی که چهره‌ای درخشان، و موی سرش به هم پیچیده، و بین دندانهایش گشاده بود، نزد پدر آمد، وقتی که نگاه امام حسن (ع) به او افتاد گریه کرد و فرمود: یا سید اهل بیته اسقنی الماء فانی ذاهب الی ربی. «ای سرور اهل خانه‌ی خود، به من آب بیاور، همانا من به سوی پروردگارم می‌روم». (وفاتم نزدیک است). آن آقا زاده، ظرف آب جوشانیده را به دست گرفت و با دست خود به پدر آشامانید سپس امام حسن (ع) فرمود: مرا برای نماز آماده کنید. [صفحه ۱۵۲] آن آقا زاده در وضو گرفتن پدر را کمک کرد، امام حسن (ع) به او فرمود: «بشارت باد تو را ای پسر من که توئی صاحب الزمان و توئی مهدی و حجت خدا بر روی زمین... و این عهدی است از پدرم از پدران من تا رسول خدا (ص)». [۱۵]. از پس پرده برون حجت اثنا عشر است یا که در غره‌ی مه قرص قمر جلوه گر است بلبل از دوری گل تا سحر امشب به نوا است یا پسر بر سر بالین پدر نوحه گر است هانفی گفت که خاموش مگر بی خبری حسن عسکری امشب به جناح سفر است سر به دامان پسر گرم سخن با معبود چهره‌اش بر اثر زهر جفا پر گهر است شد برون طایر روحش ز قفس سوی جنان مهدی منتظر از بهر پدر خون جگر است

باورقی

- [۱] منتخب التواریخ ص ۸۲۸.
- [۲] اقتباس از تتمه المنتهی ص ۲۵۱ تا ۲۵۹.
- [۳] انوار البهیة ص ۳۴۸ مانند المعتر که حدود سه سال، و «المهتدی» که حدود یک سال خلافت کرده و مردند.
- [۴] اعیان الشیعه ط ارشاد ج ۲ ص ۴۰.
- [۵] اقتباس از همان مدرک.
- [۶] اعلام الوری ص ۳۵۴ - بحار ج ۵۰ ص ۳۱۲.
- [۷] ارشاد مفید ص ۳۲۴.
- [۸] ارشاد مفید ص ۳۲۴ - ۳۲۵ - بحار ج ۵۰ ص ۳۰۹.
- [۹] غیبه الشیخ ص ۱۳۲ - مناقب ج ۴ ص ۴۳۰.]
- [۱۰] انوار البهیة ص ۳۴۸.
- [۱۱] همان مدرک ۳۴۳.
- [۱۲] اعلام الوری ص ۳۵۹.
- [۱۳] کمال الدین ج ۱ ص ۱۵۰ - ۱۵۲ - بحار ج ۵۰ ص ۳۳۲ - ۳۳۳.
- [۱۴] اقتباس از کمال الدین صدوق ج ۱ ص ۱۲۰ - ۱۲۴.
- [۱۵] منتهی الآمال ج ۲ ص ۲۷۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمی، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹